

عنوان مقاله:

نبرد واژگان در تدوین قانون اساسی؛ علل کاربرد الفاظ ذووجهین و عبارات محتمل الضدین

محل انتشار:

فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره 26، شماره 102 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

سید ناصر سلطانی - استادیار گروه حقوق عمومی دانشگاه تهران پردیس فارابی، قم، ایران

خلاصه مقاله:

قانونگذاران می‌کوشند تا در وهله نخست قانون روشن و بدون ابهام تدوین کنند؛ اما در مواردی ناگزیر می‌شوند از الفاظ و عبارات ذووجهین بکار ببرند. علل بهره بردن از چنین کلمات دویپهلویی متفاوت است. در این مقاله چنین موضوعی را در قوانین اساسی ایران، پیش از انقلاب مشروطه تا کنون، بررسی کرده و نمونه‌هایی از آن را آورده ایم. در هر یک از مصادیق، به تفکیک، موجبات ورود چنین ابهام و اجمالی در قانون اساسی بررسی و انگیزه‌های آن واکاوی شده است. یکی از جهات استفاده از چنین الفاظی فقدان توافق گروه‌های حاضر برای سود بردن از واژگان شفاف و روشن است بدین معنا که در سطح سیاسی و اجتماعی بحث‌ها به نتیجه مشخصی نرسیده و اتفاق نظری درباره مسائل اختلافی بدست نیامده است؛ به همین سبب ابهام سطح اجتماعی سیاسی به سطح حقوقی نشت کرده بازتاب و بر متون قانونی تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر هنوز نیروهای سیاسی حاضر در صحنه در خصوص موضوعات اختلافی به راه حل مرضی‌الطرفین نرسیده‌اند و برگزیدن هر راهی تنها می‌تواند به سود یکی از طرفین باشد و توازن قوا را به نفع یک گروه تغییر دهد؛ بنابراین حل و فصل چنین موضوع خطیری تنها از طفره و تعلل در بیان صریح اراده طرفین و به تعویق انداختن تصمیم‌گیری در این باره ممکن می‌شود و این مهم از طریق کاربرد الفاظ و عبارات دویپهلوی یا مسکوت گذاشتن بحث ممکن خواهد شد.

کلمات کلیدی:

قانون اساسی، ابهام، سکوت، مجامله

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1749645>

